پیشخوان

نظری بر خاطرات مستند استاد سیدهادی خسروشاهی درباره شهید نواب صفوی

یادها و یادمان‌هایی از رهسپاران طریق ایمان

■ **محمدرضا کائینی**

بی‌تردید استاد فقید، زنده‌یاد حجت‌الاسلام والمسلمین سیدهادی خسروشاهی- که در موسم نخستین سالروز رحلت وی به سر می‌بریم- در عداد احیاگران یاد و خاطره شهید سیدمجتبی نواب‌صفوی رهبر فدائیان اسلام، در دوران حاضر به شمار می‌رود. تعددِ عناوین آثاری که وی در این زمینه منتشر ساخته و نیز عمق روایی و پژوهشی آن، این مجموعه را در زمره منابع مهم در بازشناسی زمانه و آرمان این شهید درآورده است. بی‌شک اگر خسروشاهی به تألیف و انتشار این آثار دست نمی‌زد، شناخت رهبر فدائیان اسلام و یارانش، از غنای امروزین خویش برخوردار نبود. اثری که هم‌اینک در معرفی آن سخن می‌رود، یکی از این دست آثار آن فرزانه فقید است، که انتشارات «کلبه شروق قم» آن را به بازار کتاب عرضه داشته است. «درباره شهید نواب‌صفوی» شامل پاره‌ای گفت و شنودها، مقالات و یادداشت‌های استاد فقید در این باره، در واپسین سالیان حیات اوست. ناشر در دیباچه این اثر و در باره محتوای آن، چنین آورده است:

«کتاب خاطرات مستند درباره شهید نواب‌صفوی، مجموعه‌ای از مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهای روزنامه‌ها و نشریات مختلف با استاد سیدهادی خسروشاهی است که موضوع آنها، فعالیت و نوع مبارزه فدائیان اسلام و نقش شهید نواب‌صفوی در این حرکت بنیادین و تأثیرگذار است. در واقع این مجموعه، شامل بخش‌هایی از خاطرات مستند ایشان درباره

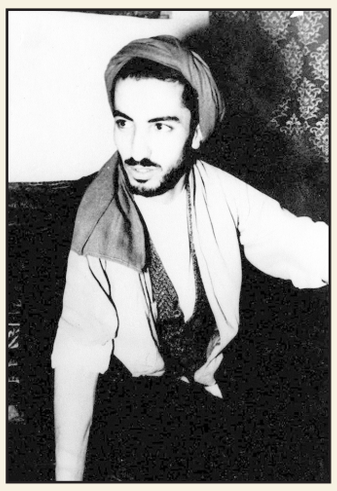

شهید سیدمجتبی نواب‌صفوی
رهبر جمعیت فدائیان اسلام

حوادث دوران نهضت ملی شدن صنعت نفت و نوع فعالیت‌های فدائیان اسلام در عرصه سیاسی کشور و نقش آنها در به پیروزی رساندن ملی شدن صنعت نفت، به گواهی شاهدان عینی و عناصری است که خود حضوری چشمگیر در عرصه اقدامات داشتند و به همین دلیل، در ضمن مجموعه «خاطرات مستند» ایشان منتشر می‌گردد. البته این خاطرات، علاوه بر مسائل سیاسی روز مربوط به آن برهه و دوران پیش از آغاز نهضت، شامل مسئله فعالیت فدائیان اسلام در حوزه علمیه قم و برخورد مراجع و علمای بزرگ و فضلا و طلاب حوزه علمیه قم با این جریان هم هست.

استاد سیدهادی خسروشاهی قبل از ورود به حوزه علمیه قم، از زمان اقامت در تبریز، با این جریان اسلامی در تماس و ارتباط بوده‌اند و پس از حضور در قم و ادامه تحصیلات در حوزه علمیه این شهر، به طور عینی و عملی، در جریان این اقدامات قرار می‌گیرند و خود به عنوان یک طلبه نوجوان هوادار حرکت فدائیان اسلام، شاهد حوادث گوناگون و مشکلاتی هستند، که رهبری فدائیان اسلام در قم با آنها روبه‌رو بوده‌اند و اکنون، به بیان پاره‌ای از این مسائل و نکات، در قالب پاسخ به پرسش‌های خبرنگاران جراید و مجلات، پرداخته‌اند و به عنوان خاطراتی مستند، حقایق مسائل را روشن می‌سازند. یادآوری این نکته هم بی‌مناسبت نیست که استاد خسروشاهی، علاوه بر این کتاب، مجموعه مصاحبه‌ها و کتاب‌های ارزشمند دیگری نیز درباره فدائیان اسلام و رهبری شهید آن به نام‌های «فدائیان اسلام، تاریخ، عملکرد و اندیشه» و «زندگی و مبارزه شهید نواب‌صفوی» دارند که بارها تجدید چاپ شده و در اختیار عموم قرار گرفته‌اند...».

استاد سیدهادی خسروشاهی در کنار شیخ فرید نصر واصل مفتی مصر

با انتشار مجلات دینی در اروپا، مرحوم خسروشاهی آرزویی را محقق کرده بود، که زیاد در پی آن بود: چاپ نشریات مدرن اسلامی در تراز نشریات مدرن غیراسلامی! مجله العالم در فوریه ۱۹۸۴ و دو مجله دیگر هم، پس از آن چاپ شدند. او همچنین کتابخانه‌ای را با هدف ترویج منابع اسلامی، برای خوانندگان و پژوهشگران افتتاح کرد. «کتابخانه الهُدی» با بنایی اسلامی ساخته شد و نزدیک کتاب‌فروشی بریتانیایی مشهور فویلز قرار داشت. خسروشاهی با فعالیت شبانه‌روزی و خستگی‌ناپذیر، میان دفتر نشریه العالم و کتابخانه الهدی، در حال رفت و آمد بود!

در نکوداشت اندیشمند مجاهد، زنده‌یاد استاد سیدهادی خسروشاهی

جهادی طولانی برای تبیین و اعتلای اسلام سیاسی

■ **نویسنده: دکتر سعید الشهابی[1]**
مترجم: میثم صفری

روزهایی که بر ما سپری گشت، تداعی‌گر سالروز رحلت فرهنگبان نامدار جهان اسلام و تشیع، زنده‌یاد حجت‌الاسلام والمسلمین سیدهادی خسروشاهی بود. هم از این رو و در تکریم خاطره مجاهدات آن بزرگ، مقال ذیل از دکتر سعید الشهابی از همکاران و مراودان وی از سالیان دور را، به شما تقدیم می‌داریم. امید آنکه تاریخ‌پژوهان معاصر و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ **بر محمل آشنایی**

نام «سیدهادی خسروشاهی» را، بیش از ۵۰ سال پیش شنیدم. عکسی را دیدم که ایشان را در جمع شماری از شخصیت‌های بحرینی مقیم لندن، در سال ۱۹۶۸ نشان می‌داد. وی در آن سال به عنوان نماینده یکی از مراجع تقلید وقت، جهت اطلاع از اوضاع دانشجویان مسلمان در اروپا، به لندن آمده بود. جوانان دانشجو از عراق، ایران، بحرین و برخی از شیعیان خوجه[2]، «انجمن جوانان مسلمان» را در سال ۱۹۶۷، به عنوان نخستین تشکل دانشجویی مسلمانان شیعه در پایتخت بریتانیا تأسیس کرده بودند. این تشکل در دورانی که آگاهی دینی رواج نداشت، نخستین فعالیت دانشجویی اسلامی در آن کشور به شمار می‌رفت. من آن روز، آن جوان عمامه مشکی به سر در میان جمعی از دانشجویان بحرینی را، نشناختم! سال‌های متوالی گذشت تا اینکه خداوند متعال مقدر فرمود و در آغاز سال ۱۹۸۳، با یکدیگر ملاقاتی داشتیم. در آن زمان ایشان سفیر جمهوری اسلامی در واتیکان بود[3] و جهت پیگیری تأسیس یک پروژه فرهنگی و مطبوعاتی، به لندن سفر کرده بود. آن بازه زمانی، مهیای چنین فعالیت‌هایی بود. بیداری اسلامی تنها از چهار سال پیش از آن، یعنی از آغاز انقلاب اسلامی در ایران، در قوس صعود و در حال گسترش در مناطق مختلف دنیا قرار داشت. در آن روزها به شدت مشغول دو کار بودم: اول، ادامه دوره تحقیقاتی پسادکتری[4] در دانشگاه سیتی لندن، که کمتر از دو سال پیش تحصیلات تکمیلی خود را، در آن به پایان رسانده بودم. من در ماه ژوئن سال ۱۹۸۱، از پایان‌نامه دکترای خود دفاع کرده بودم. استاد راهنما از من خواست این پژوهش خود را، ادامه دهم. دو مقاله پژوهشی آکادمیک نوشتم، که در مجلات تخصصی چاپ شدند. دوم، کار دیگر من، ریاست انجمن جوانان مسلمان بود، که فعالیت آن یک سال و نیم قبل، به ساختمان جدید در منطقه «بیکر استریت» منتقل شده بود. در آن روز شرایط عمومی، نشان و نمادی از شور انقلابی و حماسی و رشد صعودی اسلام‌گرایی و منادیان آن، در مناطق زیادی از دنیا بود. شرایط و حوادث جنگ میان عراق و ایران- که در سپتامبر ۱۹۸۰ (شهریور ۱۳۵۹) آغاز شده بود- رو به وخامت گذاشته بود. در جهان عرب، اسلام‌گرایان- که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، احساس شور و شعف غیرمنتظره‌ای داشتند- صدای خود را به مطالبه تغییر و تحول در کشورهای خود، بلند کرده بودند! برخی از آنها دستگیر و محاکمه و زندان‌ها مملو از آنها شده بودند!

■ **خسروشاهی در واتیکان، به مثابه پلی برای ارتباطِ فعالان فرهنگی مسلمان**

مرحوم خسروشاهی در آن زمان، در اوج جوانی خود، مشغول مطالعه، نویسندگی و برقراری ارتباط با فعالان مسلمان، در کشورهای مختلف بود. منصب ایشان در واتیکان رم، این زمینه را برایش فراهم کرد تا پل‌های ارتباطی را با کسانی گسترش دهد، که شور و شوق زایدالوصفی نسبت به پروژه اسلامی مورد نظر وی داشتند. با توجه به رابطه ایشان با مسئولان نظام جمهوری اسلامی از جمله وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران، راه‌های فراوانی جهت ایجاد ارتباط فرهنگی و فکری با سازمان‌ها و جنبش‌های اسلامی، در برابر ایشان گشوده شد. در نتیجه، روابط مرحوم خسروشاهی با اندیشمندان، نویسندگان و علمای دینی‌ای همچون مرحوم شیخ محمد غزالی، عمیق‌تر شد! حضور سید در کنفرانس سالانه اندیشه اسلامی الجزایر نیز، فرصت مغتنمی برای ایشان به وجود آورد تا روابط و مناسبات خود با دانشمندان و متفکران اسلامی را، استحکام بخشیده و در شرایطی که نگاه‌های دنیا معطوف به اسلام‌گرایان بود، دریچه‌ای را جهت اطلاع از تحولات جدید اندیشه اسلامی، در منطقه غرب آسیا بگشاید. در نتیجه ایشان از احترام و قدرشناسی ویژه‌ای، در محافل اسلامی عربی برخوردار شد. دیدگاه، روابط و فرهنگ عمومی و رفتاری او، حاوی ویژگی‌های نژاد خالص عرب بود! زبان عربی فصیحش، با زبان فارسی درهم آمیخته بود و تأثیر تلاش شخصی او برای ارتباط با طرف مقابل را، به خوبی آشکار می‌کرد.

■ **خسروشاهی، از پیشگامان پروژه وحدت اسلامی**

بی‌تردید استاد سیدهادی خسروشاهی، یکی از رهبران و پیشگامان پروژه وحدت اسلامی بود. این پروژه متأثر از برنامه‌ریزی پرسابقه دارالتقریب قاهره قرار داشت، که در دهه ۵۰ قرن گذشته، با حمایت و پشتیبانی آیت‌الله العظمی بروجردی(ره) پایه‌ریزی شده بود. مرحوم خسروشاهی با علامه شیخ محمدتقی قمی در ارتباط بود. نام شیخ محمدتقی قمی، ارتباط تنگاتنگی با پروژه تقریب اسلامی قاهره داشت. نتیجه ارتباط سید با علامه قمی، ارتباط مستمر با فرهنگ عربی و مصری بود. سید با علمای الازهر و شخصیت‌های برجسته اخوان‌المسلمین نیز، مرتبط بود. هنگام انتقال مرحوم شیخ عمر تلمسانی رهبر اخوان‌المسلمین مصر به سوئیس جهت معالجه در سال ۱۹۸۶، مرحوم خسروشاهی به ملاقات او رفت تا سلام مسئولان ایرانی را به او ابلاغ کند. او در آن روزگار، سفیر جمهوری اسلامی در واتیکان بود. او بارها با پاپ ملاقات کرده و در گفت‌وگوها با مسیحیان، شرکت کرده بود. مرحوم خسروشاهی ارتباطاتی با شخصیت‌های برجسته اخوان‌المسلمین در اروپا، از جمله استاد یوسف ندا و مرحوم ابراهیم صلاح‌الدین، از اعضای رده‌بالای جماعت اخوان‌المسلمین داشت. در آن روزها، سید با آنها پیرامون جنگ عراق و ایران و راه‌های مقابله با تبلیغات فرقه‌ای و مذهبی، تبادل اندیشه و برنامه داشت. در سال ۱۹۸۹ با آمدن شیخ راشد الغنوشی[5] به لندن، سید به ملاقات او رفته و به او خوش‌آمد گفت. سید در سفرهای مکرر خود به پایتخت بریتانیا، با این افراد بسیار تبادل افکار می‌کرد.

استاد سیدهادی خسروشاهی در عیادت از شیخ عمر تلمسانی رهبر فقید اخوان‌المسلمین مصر در سوئیس

خسروشاهی دست ایرانی بلندی بود که با صداقت و عشق، به سمت طرف مقابل، یعنی علما، اندیشمندان و نویسندگان عرب، دراز شده بود. بی‌تردید آثار تلاش و تکاپوی دینی، فرهنگی و فکری او، تا درازمدت در جهان اسلام باقی خواهد ماند. چه اینکه او، نخستین روحانی شیعه بود که به عرصه تعامل با بسیاری از نهادها و مؤسسات فرهنگی جهان اسلام گام می‌نهاد

■ **خسروشاهی، آماج ترور شخصیت دشمنان انقلاب اسلامی در خارج از کشور**

با توجه به فعالیت‌های سیاسی و روابط مستحکم و صمیمی ایشان با شخصیت‌های برجسته اسلام‌گرا، او در معرض هجوم مقامات امنیتی و رسانه‌ای غرب قرار گرفت. در سال ۱۹۸۵، نشریه «ساندی تایمز» وی را به پشتیبانی از تروریسم و تأمین مالی آن متهم کرد! او دادخواست قضایی داد و دادگاه، نشریه را به پرداخت خسارت نقدی به ایشان محکوم کرد. مرحوم خسروشاهی به ضرورت مقابله با رسانه‌های تبلیغاتی غربی، اعتقاد داشت. این رسانه‌ها با زدن شخصیت‌های برجسته پروژه وحدت اسلامی یا متهم کردن آنها به تندروی و تروریسم، نابودی این پروژه را نشانه گرفته بودند. من سید را به هنگام سفرش به لندن، عاشق بی‌قرار رسانه‌های عربی دیده بودم. رویه‌اش این بود که به خیابان اِجور لندن رفته و روزنامه‌ها و مجلات عربی می‌خرید، تا پوشش‌های رسانه‌ای آنها را، به ویژه در مورد حوادث مرتبط با جنگ عراق و ایران و همچنین جنبش‌های اسلامی، پیگیری کند. سید علیرغم منصب رسمی خود به عنوان سفیر واتیکان در رُم و سپس رئیس نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در مصر[6]، با برخی مخالفان حکومت جمهوری اسلامی همچون امیر طاهری و علی نوری‌زاده، علیرغم مواضع آنها بر ضد جمهوری اسلامی، ارتباط داشت و سعی داشت مانع درغلتیدن کامل آنان به دامن دشمن شود. این رویکرد وی، دست‌کم تا زمانی که او در این سمت قرار داشت، مفید و نتیجه‌بخش بود! طبیعی است که رفتارهای بعدی این افراد، به خودشان مربوط است. او روحانی آگاه، آزاداندیش و روشنفکر و شیفته مباحث فکری بود. ایشان مروج پروژه مترقی طرح‌شده از سوی سیدجمال‌الدین افغانی بود و چهار جلد کتاب پیرامون زندگی آن مصلح بزرگ، چاپ و منتشر کرده است. سید بر کاربرد لقب خانوادگی «اسدآبادی»، برای سیدجمال اصرار داشت. هدفش از این کار، تأکید بر ولادت وی در شهر اسدآباد ایران و وابستگی او به ایران و نه افغانستان بود.

■ **خسروشاهی، مجموعه‌ای از اندیشه‌های انقلابی و اصلاحی**

شخصیت مرحوم خسروشاهی، محصول مجموعه‌ای از اندیشه‌های انقلابی و اصلاحی بود. روابط ایشان با شخصیت‌های برجسته انقلاب اسلامی ایران، از جوانی بسیار محکم و مداوم بود. پس از انقلاب نیز، این روابط از طریق پُست سفارت و سپس عضویت در مرکز سیاسی وابسته به وزارت امور خارجه، متشکل از سفیران و دیپلمات‌های بازنشسته، استمرار یافت. او با قدرت از نظام جمهوری اسلامی دفاع می‌کرد و عاشق امام خمینی(ره) بود. ایشان برای مقام معظم رهبری نیز، احترام ویژه‌ای قائل بود و روابط حسنه و طولانی با ایشان داشت.

■ **خسروشاهی و تأسیس مجله «العالم»**

در سفر سید به لندن در فوریه ۱۹۸۳، مرحوم خسروشاهی با گروهی از فعالان فرهنگی آن دوره، از جمله دکتر لیث کبه[7]، دکتر عبدالفلاح سودانی[8] و شخصیت‌های دیگری مانند دکتر محمداقبال آساریا[9] و دکتر علی پایا[10] نشستی داشت. در این نشست، آنها با هم بر سر تأسیس یک پروژه مطبوعاتی و رسانه‌ای اسلامی، برای نخستین بار در دنیا، به توافق رسیدند. بعد از دیدارها و نشست‌های متعدد، قرار بر تأسیس یک رسانه و به طور مشخص‌تر، یک مجله وزین شد که نخستین کار از این نوع، در آن دوره از بیداری اسلامی بود. پس از یک‌سال، انتشار سه مجله به صورت منظم آغاز شد: مجله هفتگی «العالم» به زبان عربی، مجله ماهنامه «آفریکن ایونتس»[11] (رویدادهای آفریقا) به زبان انگلیسی و مجله «افکار». انتشار این مجلات، آغاز پروژه مطبوعاتی گسترده‌ای بود که تا سال ۱۹۹۹، ادامه یافت. گویا مرحوم خسروشاهی آرزویی را محقق کرده بود که زیاد در پی آن بود: چاپ نشریات مدرن اسلامی مشابه نشریات مدرن غیراسلامی! مجله العالم در فوریه ۱۹۸۴ و دو مجله دیگر هم، پس از آن چاپ شدند. همچنین خسروشاهی و چهره‌های فوق آمده، در همان نشست لندن با هم توافق کردند تا کتابخانه‌ای را با هدف ترویج کتاب‌های اسلامی و گردآوری مقالات و مطالب چاپی با موضوعات گوناگون و متنوع برای خوانندگان و پژوهشگران، افتتاح کنند. «کتابخانه الهُدی» با بنایی اسلامی ساخته شد و به کتاب‌های دانشگاهی و فکری و ترویج فرهنگ اسلامی، اهتمام داشت. موقعیت این کتابخانه نزدیک کتاب‌فروشی بریتانیایی مشهور فویلز (Foyles)، قرار داشت. مرحوم خسروشاهی با فعالیت شبانه‌روزی و خستگی‌ناپذیر، میان دفتر نشریه العالم و کتابخانه الهدی، در حال رفت و آمد بود. او با ما پیرامون پیشرفت پروژه و افق‌های پیش روی آن بحث و گفت‌وگو می‌کرد. ما روزهای سختی را با هم شریک بودیم، به ویژه شرایط سخت مالی که اوقات همه ما را، بسیار تلخ می‌کرد!

در سفرهای خود به لندن، آن مرحوم برای دیدار با شخصیت‌های برجسته اسلامی فعال آنجا، از جمله دکتر کلیم صدیقی (متوفای ۱۹۹۶م) اصرار و تأکید فراوان داشت. به یاد می‌آورم که یک روز با دکتر کلیم صدیقی در سفر به جمهوری اسلامی، جهت شرکت در یک کنفرانس با هم بودیم. مرحوم خسروشاهی ما را جهت صرف ناهار، به منزل خودش دعوت کرد. در حیاط منزل ایشان، درخت میوه ازگیل یا زالزالک بود. دکتر کلیم صدیقی، یکی از میوه‌ها را چید و در دهان گذاشت و جوید! آن میوه هنوز نارس بود و با خوردنش، دهانش به‌هم کشیده می‌شد! در طول زمانی که آنجا بودیم، او از گَس شدن دهان و خشکی آن شکایت می‌کرد! میزبان آمد و با تمام ترفندهای ایرانی، هر کار که کرد، نتوانست حواسش را از این قضیه پرت و مشکل را حل کند! از آن به بعد هر وقت با دکتر صدیقی ملاقات می‌کردم، یادآن میوه نارس می‌افتاد که حالش را بد کرده بود و می‌گفت: «ولی میزبانی نیکوی سید، از شدت بدی طعم آن میوه نارس کم کرد!» خوش‌خلقی و کردار حسنه، جزئی شاخص از شخصیت خسروشاهی بود.

■ **خسروشاهی در روزهای سرازیر گشتن منحنی حیات**

با بالا رفتن سن سید، عوارض طبیعی کهولت سن پدیدار شد. اول از دردهای شدید در شکمش شروع شد و سپس عصا به دست گرفت تا در راه رفتن، بر آن تکیه کند. با سادگی تمام، رفت و آمد می‌کرد. سوار اتوبوس می‌شد و لباس عربی می‌پوشید و کلاه خاص خودش را، بر سر می‌گذاشت! دوست نداشت زحمت خود را، بر دوش دیگران بگذارد. تا جایی که در توانش بود، به کارگران خود کمک می‌کرد. از طریق ارتباطات شخصی خود با سید، مطلع شدم که به دنبال ساخت کتابخانه اسلامی بزرگی، در شهر قم است. با همین هدف مبلغی پول را به صورت رسمی، در بریتانیا سرمایه‌گذاری کرده بود! پس از مدتی، آن مبلغ را برای ساخت کتابخانه مرکز بررسی‌های اسلامی در منطقه پردیسان قم، هزینه کرد. هر زمان که برای دیدار با او به قم می‌آمدم، من را به سَرِ زمین کتابخانه می‌برد، تا پیشرفت کار در آنجا را، به من نشان بدهد و می‌گفت: «تو با من در این کار، شریک هستی!» پس از تکمیل ساخت کتابخانه، بسیاری از کتاب‌ها و مجلاتی- که عمر خودش را برای جمع‌آوری آنها صرف کرده بود- را به ساختمان جدید منتقل کرد. او شروع به دسته‌بندی کتاب‌ها و ثبت مشخصات آنها، در فهرست عمومی کتابخانه کرده بود.

■ **...و کلام آخر**

کم هستند مردانی که پس از ارتحال خود از دنیا، آثاری شفاف و مبارک را از خویش بر جای می‌گذارند، و کمتر از آنها، کسانی هستند که پس از مرگ، پروژه‌های انسانی یا ایمانی یا فرهنگی یا معرفتی از خود به یادگار می‌گذارند. اما مرحوم استاد سیدهادی خرمشاهی(ره) پس از عمری- که آن را در دنیای نویسندگی و نشر کتُب و مشارکت در تأسیس یکی از مهم‌ترین پروژه‌های مطبوعاتی و رسانه‌ای مرتبط با اعتلای اسلام صرف کرده بود- یاد نیکویی از خود به یادگار گذاشت. او یکی از شخصیت‌های برجسته «اسلام سیاسی» و یکی از ستون‌های مستحکم بنای تقریب مذاهب اسلامی و دست ایرانی بلندی بود که با صداقت و عشق به سمت طرف مقابل عرب‌زبان و علما، اندیشمندان، فعالان و نویسندگان آنها دراز شده بود. بی‌تردید آثار تلاش و تکاپوی دینی، فرهنگی و فکری او، تا درازمدت در جهان اسلام باقی خواهد ماند. چه اینکه او، نخستین روحانی شیعه بود که به عرصه تعامل با بسیاری از نهادها و مؤسسات فرهنگی جهان اسلام گام می‌نهاد. همین خصلت، جاودانگی یاد و خاطره وی را، رقم خواهد زد. خدا رحمتش کند، چه مرد بزرگی بود!

پانوشت

۱- متولد ۱۹۵۴ میلادی؛ فعّال سیاسی و روزنامه‌نگار (سردبیر مجله هفتگی العالم چاپ لندن)، تحلیلگر معارض بحرینی مقیم لندن و دبیر کلّ جنبش «احرار البحرین.»

۲- خُوجه: گروهی مذهبی در جنوب آسیا که به اسلام رو آوردند. کلمه «خوجه» از واژه فارسی خواجه و به معنای فرد محترم و متشخص گرفته شده است. در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم، به دنبال مهاجرت آقاخان اول از ایران به هند، آنها به تشیع و تسنن رو آوردند و اکثریت این گروه پیرو فرقه اسماعیلیه نزاری باقی ماندند. به دنبال دیدار شماری از خوجه‌ها به رهبری دوجی جمال در نجف با زین‌العابدین حائری مازندرانی در اوایل دهه ۱۸۷۰ میلادی، زمینه گرایش تعدادی از خوجه‌ها به تشیع فراهم شد. خوجه‌ها امروزه در شرق آفریقا، هند، اروپا و شمال امریکا زندگی می‌کنند. (مترجم)

۳- مرحوم خسروشاهی به مدت ۵ سال در این منصب بودند. (مترجم)

۴- research Postdoctoral

۵- رهبر اسلامگرایان تونس و از مخالفان نظام سیاسی تونس (مترجم)

۶- ایشان به مدّت سه سال در این منصب بود. (مترجم)

۷- سیاستمدار باسابقه عراقی، مسئول دفتر خاورمیانه بنیاد امریکایی دفاع از دموکراسی، مشاور نخست‌وزیر سابق عراق، عادل عبدالمهدی و از اعضای گروه‌های سیاسی مخالف حزب بعث (مترجم)

۸- از شخصیت‌های سیاسی عراق، سردبیر مجلّه هفتگی العالم چاپ لندن تا سال ۱۹۹۹، مدیر کنفرانس‌های «مرکز الشرق للدراسات» (مترجم)

۹- نویسنده، کارشناس اقتصادی اهل پاکستان و استاد دانشگاه سیتی لندن و مشاور سابق بانک جهانی و بانک مرکزی بریتانیا. (مترجم)

۱۰- علی پایا فیلسوف ایرانی و از روشنفکران دینی معاصر. آثار او عمدتاً در حوزه فلسفه تحلیلی نشر یافته است. وی استاد فلسفه علم و استاد مدعوّ مرکز مطالعات تمدّن اسلامی در لندن است. ایشان پیش از انقلاب یکی از شاگردان شهید مطهری(ره) بوده است. اخیراً کتاب «آشنایی با علوم اسلامی» نوشته شهید مطهری در سه مجلّد، به صورت کامل و متفاوت توسّط ایشان به انگلیسی ترجمه شده و از سوی بخش انتشارات مرکز مطالعات اسلامی لندن چاپ و عرضه شده است. (مترجم)

۱۱- Events Aferican